

بررسی رابطه بین مولفه های برنامه درسی پنهان با تفکر انتقادی دانش آموزان دبیرستان دوره دوم شهر سمنان

محمدفخیره، سید محمدعلی تقوی

دانشگاه فرهنگیان سمنان، fakhireh2000@gmail.com

دانشگاه فرهنگیان سمنان، sydmhmdlytqw845sydmhmdlytqw@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مولفه های برنامه درسی پنهان با تفکر انتقادی دانش آموزان دبیرستان های سمنان است، روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. نمونه ها بالغ بر 381 نفر از دانش آموزان دبیرستان دوره دوم شهر سمنان هستند. از دو مقیاس سنجش ابعاد برنامه درسی پنهان دانشگاهی و نیز مقیاس استاندارد گرایش به تفکر انتقادی کالیفرنیا (2001) استفاده شده است. روایی مقیاس برنامه درسی پنهان بر حسب نظر متخصصان دانشگاهی تایید شده است و پایایی آن با آلفای کرونباخ برابر 0.88 می باشد. روایی مقیاس تفکر انتقادی دانش آموزان، متناسب بود و پایایی آن برابر 0.9 است. بین مجموع مولفه های برنامه درسی پنهان با ابعاد گرایش به تفکر انتقادی دانش آموزان دبیرستان دوره دوم شهر سمنان رابطه معنادار وجود دارد. همبستگی بین مولفه های مثبت برنامه درسی پنهان با بعد گرایش به فراخ اندیشی مثبت و معنادار بود. همبستگی بین مولفه های منفی برنامه درسی پنهان با بعد تحلیلگری، کنجکاوی و بلوغ رابطه منفی و معنادار بود.

کلیدواژه ها

برنامه درسی پنهان، گرایش به تفکر انتقادی، دانش آموزان دبیرستان شهر سمنان

بیان مسئله

برنامه درسی در آموزش عالی ایران به دلیل ماهیت منعطف آن و آزادی دانشجویان در برخی انتخاب‌ها، نسبت به مقاطع پیشین شرایط متفاوتی دارد. هم‌چنین نهاد آموزش عالی در ایران نظامی متمرکز است و سعی بر آن است تا با استفاده از سازوکارهای مختلف (نظیر انقلاب فرهنگی، جذب متمرکز اعضای هیات علمی، ...) نسلی متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی تربیت شود. این عوامل باعث شده است تا برنامه درسی پنهان در آموزش عالی ایران ماهیتی منحصر به فرد داشته باشد و تبیین آن از طریق نظریه‌های غیرومی چندان منطقی نباشد.

از منظر جامعه‌شناختی، برنامه درسی پنهان عبارت است از: انتقال ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی، مانند سازگاری با قدرت، جریان‌های روزمره و مقررات و اطاعت از آنها. برنامه درسی پنهان، انتقال فرصت طلبانه، ضروری و مشخص نشده رفتارها و اعتقادات؛ این نوع برنامه، آن دسته از پیام‌هایی را دربرمیگیرد که درخصوص حرف‌های گرایشی، آداب و رسوم، مناسک و نقش‌های غیررسمی، به دانشجویان منتقل می‌شوند که به عبارتی، بخشی از جریان اجتماعی سازی در دانشگاه است. از دید استرن، واژه برنامه درسی پنهان یا غیرآشکار، نشان دهنده این است که برای هر یادگیرنده، یک برنامه درسی موازی با برنامه درسی آشکار که انتقال دهنده دانش و مهارت‌های مورد نیاز است، وجود دارد و این برنامه درسی در برگزیده ارزش‌ها، برنامه درسی پنهان در دانشگاه می‌تواند به عنوان همه نیازهای غیررسمی و ضمنی در .هنجارها و انتظارات هر محیط آموزشی است مطالعه و دستاوردهای مطالعه باشد که یک شخص در تکمیل واحدهای مطالعه اش با آن، مواجهه میشود. دانشجویان به‌طور آشکار فکرنمیکنند که چگونه این نیازها را برآورده‌سازند؛ ابتدا آنها هیچ طرحی (ایده‌های) ندارند، اما به‌تدریج با احساسکردن، با آزمون و خطا و رد شدن در امتحانها، به آنها پی‌خواهندبرد؛ ژان مارتین نیز، برنامه درسی پنهان را همان وضعیت یادگیری ناخواسته میداند.

در 9 سال گذشته در جامعه توسعه یافته تهران این تحقیق انجام شده ولی به دلیل تغییرات کتاب‌های درسی در چند سال اخیر، لازم دانستیم تا دوباره این تحقیق را به جای جامعه تهران با همان اندازه نمونه در یک جامعه کوچک تر انجام دهیم. پژوهش کمی در شهر تهران با روش خوشه‌ای انجام شده ولی به علت تعداد بالای دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر تهران (236 هزار نمونه و نمونه تحقیق پیشین 400 نفر یعنی یک هزارم) ولی این آمار در شهر دامغان (1950 دانش‌آموز متوسطه دوم و نمونه 400 نفری یعنی 25 صدم). در نتیجه قابلیت تعمیم 250 برابری است .

مشاوران و مدیران آموزش و پرورش و خانواده‌ها مخصوصاً والدین توانایی استفاده از آن را جهت مداخله به جا در زمینه تربیت فرزندان و همراه معلمان داشته باشند. و هنگام درخواست داشتن از دانش‌آموز به او توضیحات لازم را می‌دهند.

با توجه به مطالب بیان شده آیا بین مولفه‌های برنامه درسی پنهان و گرایش به تفکر انتقادی رابطه‌ای وجود دارد ؟

فرضیه‌های پژوهش

1- میان جنبه‌های مثبت و منفی مولفه‌های رفتار و منش استادان، روش تدریس استادان، نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، رفتار دانشجویان هم‌کلاسی، محتوای دروس رشته‌های تحصیلی، فضای فیزیکی دبیرستان محل تحصیل با ابعاد تحلیلی، نظام‌مندی، کنجکاو و اعتماد به تفکر و گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

2- جنبه‌های مثبت و منفی مولفه‌های برنامه درسی پنهان، هر یک می‌توانند سهمی معنادار را از گرایش به تحلیلی دانشجویان تبیین کنند.

روش پژوهش

از آنجاکه در پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان مؤلفه های برنامه درسی پنهان (با آثار مثبت، منفی) با ابعاد گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان دانش آموزان دبیرستان دوره دوم شهر سمنان پرداخته شده، این پژوهش از نوع کاربردی بوده، به منظور بررسی رابطه میان دو متغیر برنامه درسی پنهان و گرایش به تفکر انتقادی، روش آن همبستگی است.

جامعه آماری تحقیق

پژوهش حاضر، شامل تمامی دانش آموزان دبیرستان دوره دوم شهر سمنان در سال تحصیلی 1401-1402 است که در 16 دبیرستان مستقر هستند و جمعیتی بالغ بر 3204 نفر را می سازند.

نمونه آماری تحقیق

برآورد نمونه و روش نمونه گیری در راستای برآورد تعداد نمونه لازم برای اجرای ابزارهای پژوهش با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، تعداد نمونه دانش آموزان دبیرستان دوره دوم شهر سمنان، با اطمینان 95 درصد محاسبه شده است. نمونه برآورد شده برای جامعه آماری با حجم 3204 نفر، 381 نفر به دست آمده است. نمونه های پژوهش با روش طبقه ای متناسب با حجم و نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند؛ بنابراین، پس از محاسبه حجم نمونه در دبیرستان های دوره دوم شهر سمنان مورد نظر، نمونه برآوردی بر اساس سهم های دبیرستان توزیع و سپس به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای، از میان دانشجویان، تعداد نمونه لازم انتخاب شده است.

توزیع مربوط به متغیر های جنسیت، دوره تحصیلی و نوع دانشکده در جدول 1 آمده است.

ابزارهای پژوهش

برای گردآوری داده ها باید از دو مقیاس محقق ساخته سنجش برنامه درسی پنهان و نیز مقیاس استاندارد ابعاد گرایش به تفکر انتقادی کالیفرنیا» استفاده شده است. پرسشنامه ابعاد برنامه درسی پنهان به بررسی طیفی از یادگیری های مثبت و منفی دانشجویان بر اساس تجارب یادگیری در خلال آموزش های رسمی می پردازد؛ این پرسشنامه، دارای 56 گویه بوده، پیوستار پاسخهای آن از اصلاً (0) تا خیلی زیاد (5) متغیر است. ابعاد مورد بررسی در آن، شامل «رفتار و منش استادان، روش تدریس استادان، نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی استادان، رفتار دانشجویان همکلاسی، محتوای دروس رشته تحصیلی، فضای فیزیکی دانشگاه محل تحصیل و قوانین و مقررات جاری دانشگاهی» می شود. به همین منظور کسب پایایی پرسشنامه برنامه درسی پنهان، ضریب آلفای کرونباخ آن در دو بخش «جنبه مثبت برنامه درسی پنهان و جنبه منفی برنامه درسی پنهان» محاسبه شده که به ترتیب، برابر با 0.88 و 0.86 بوده است؛ همچنین، روایی آن نیز، مورد تأیید تعدادی از متخصصان موضوعی قرار گرفته است.

تحلیلگری، نظام «این آزمون که به ارزیابی حیطه خلق و خوی تفکر انتقادی می پردازد، از هفت خرده مقیاس تشکیل شده است. شامل مندی، کنجکاوی، آزاداندیشی، اعتماد به توانایی تفکر انتقادی خود، جستجوگری حقایق و بلوغ در قضاوت» است؛ این پرسشنامه، 75 گویه دارد و پیوستار پاسخ های آن از کاملاً مخالفم (1) تا کاملاً موافقم (6) تنظیم شده است. فشیون و همکاران (2001).

به عنوان طراحان پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی کالیفرنیا، این ابزار را دارای روایی می دانند. فشیون و همکاران، به منظور بررسی پایایی مقیاس حاضر، با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی آن را 0.9 محاسبه کرده اند.

شیوه تحلیل داده ها

در تحلیل توصیفی داده های حاصل از ابزارهای پژوهش، پس از ارائه فراوانی نتایج گفته های پاسخگویان، میانگین پاسخ به هریک از مؤلفه های اصلی ابزارها و همچنین، میانگین کل مؤلفه های مندرج در هر ابزار محاسبه می شود؛ همچنین از میانگین، انحراف معیار و انواع جدول ها و نمودارها برای تبیین توصیفی داده های حاصل از جامعه پژوهش، طی بررسی فرضیه های پژوهش استفاده شده است. در تحلیل استنباطی داده های پژوهش نیز، از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

فرضیه اول: میان جنبه های مثبت و منفی مؤلفه های رفتار و منش استادان، روش تدریس استادان، نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، رفتار دانشجویان همکلاسی، محتوای دروس رشته تحصیلی، فضای فیزیکی دانشگاه محل تحصیل و قوانین و مقررات جاری دانشگاهی در برنامه درسی پنهان با ابعاد؛ تحلیلگری، نظام مندی، کنجکاوی، اعتماد به تفکر انتقادی خود، بلوغ در قضاوت، جستجوگری حقایق و فراخ اندیشی گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان، رابطه معنادار وجود دارد.

2- میان جنبه های مثبت برنامه درسی پنهان با بعد فراخ اندیشی رابطه ای مثبت و مستقیم وجود دارد. همچنین میان جنبه های منفی برنامه درسی پنهان با ابعاد تحلیلگری، کنجکاوی، بلوغ در قضاوت، جستجوگری حقایق فراخ اندیشی و مجموعاً ابعاد گرایش به تفکر انتقادی رابطه ای منفی و معنادار وجود دارد.

جدول 1. شاخص های توصیفی رابطه میان برنامه درسی پنهان (کل) با ابعاد هفتگانه گرایش به تفکر انتقادی دانش آموزان دبیرستان های شهر سمنان

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
309	2.44	0.53
مجموع جنبه مثبت برنامه درسی پنهان		
297	3.03	0.47
مجموع جنبه منفی برنامه درسی پنهان		
348	4.12	0.39
تحلیلگری		
369	3.96	0.53
نظام مندی		
354	4.15	0.56
کنجکاوی		
345	3.96	0.49
اعتماد به تفکر انتقادی		
348	4.12	0.43
بلوغ در قضاوت		
354	3.91	0.4
جستجوگری در حقایق		
339	3.81	0.36
فراخ اندیشی		
276	4.01	0.27
مجموع گرایش به تفکر انتقادی		

نتیجه گیری

یافته ها از آن حکایت داشتند که گویه های مثبت مؤلفه روش تدریس استادان و محتوای دروس رشته تحصیلی، همچنین گویه های منفی مؤلفه محتوای دروس رشته تحصیلی و نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی می توانند بعد گرایش به تحلیل گری دانشجویان دانشگاه شاهد را به شکل مثبت و منفی تبیین کنند.

بر این اساس باید اعلام کرد که اگر گویه های مثبت مؤلفه روش تدریس استادان (داشتن التزام شخصی به اختصاص وقت پیشین برای ارتقای مهارت های تدریس خود، متناسب با موضوع های مورد تدریس، حساسیت باطنی نسبت به کم و کیف میزان یادگیری دانشجویان، داشتن صبر و شکیبایی برای کمک به حل چالش های احتمالی درسی دانشجویان، داشتن توجه کافی به کل دانشجویان خود در فرایند تدریس کلاسی) و نیز گویه های مثبت مؤلفه محتوای دروس رشته تحصیلی (علاقه، رغبت، توانایی دانشجویان، تازگی موضوع، پایه ای بودن برای موضوع، کاربردی بودن موضوع، قابلیت یادگیری موضوع) در برنامه درسی پنهان، زیادتیر باشند، به احتمال، حسب روابط همبستگی معنادار مثبت (همسو)، بعد گرایش به تحلیل گری دانشجویان نیز در حدی بالاتر خواهد بود.

بنابراین با توجه به گستردگی کاربرد برنامه درسی پنهان در سطح مدارس و دانشگاه ها، وقوف کامل به ابعاد و مؤلفه های برنامه درسی پنهان به عنوان منبع اساسی یادگیری های عمیق و ماندگار دانشجویان از سوی دست اندرکاران آموزش عالی، امری ضروری است همانطور که مشاهده کردیم، اگر جنبه های مثبت مؤلفه های قوانین و مقررات جاری، محتوای رشته تحصیلی، رفتار و منش استادان و رفتار دانشجویان همکلاسی، روش تدریس استادان و فضای فیزیکی برنامه درسی پنهان افزایش یابند، می توانند ابعاد گرایش به «تحلیل گری، نظام مندی، کنجکاوی، فراخ اندیشی، بلوغ در قضاوت و اعتماد به تفکر انتقادی دانشجویان» را افزایش دهند چراکه مجموع جنبه های مثبت برنامه درسی پنهان از جمله «اعتماد متقابل میان استادان و دانشجویان، وجود جو مشارکتی، محیط روانی سالم، توجه به نظریات یکدیگر، گفت و گوی گروهی، توجه به تفاوت های فردی در ارزشیابی ها، اعتماد به توانایی یکدیگر، امکانات و تسهیلات آموزشی و وجود قوانین منعطف و تسهیل گر» می توانند ترغیب کننده گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان باشند؛ همچنین اگر جنبه های منفی مؤلفه های برنامه درسی پنهان افزایش یابند، [این امر] می تواند به کاهش ابعاد گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان منجر شود، به این شکل که مجموع جنبه های منفی برنامه درسی پنهان از جمله «برقراری تعامل نامناسب استاد با دانشجو، ارج نهادن به شخصیت ها، تقویت نابرابری جنسیتی در کلاس، روشهای تدریس غیرفعال و معلم محور، وجود رویکر نمره گرایی، وجود رقابت های تنش زا، عدم تحقق کل یکپارچه مباحث، بینظمی و فضای توأم باکنترل بیرونی» به کاهش گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان منجر می شوند؛ از این رو، طراحی برنامه های درسی رسمی در ایجاد گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان، بایستی با توجه به زیرساخت های پنهان آن صورت گیرد.

پیشنهادات کاربردی

- 1-انجام مطالعات و پژوهشهای تطبیقی و مستمر جنبه های مثبت و منفی برنامه درسی پنهان در سطح دانشگاه های مطرح در جهان و مقایسه آنها با برنامه درسی پنهان در دانشگاه ایران و در راستای آن، انجام بازنگری و اصلاح تخصصی در ابعاد برنامه های درسی
- 2-بازنگری در الگوهای طراحی برنامه درسی به منظور تعریف نقش فعال استادان و دانشجویان در تقویت پیامدهای مثبت و کاهش پیامدهای منفی حاصل از برنامه درسی پنهان
- 3-وجود نظام ارزشیابی در بررسی پیامدهای مثبت و منفی حاصل از برنامه های درسی پنهان در محتوای درسی

منابع

- 1- ابراهیمی قوام، صفرا (1388)، کاربرد نظریه های یادگیری در برنامه ریزی درسی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب
- 2- میرمحمدی، محمود (1388)، برنامه درسی، نظرگاه ها، رویکرد ها و چشم انداز ها، انتشارات به نشر
- 3- سبحانی نژاد، مهدی و کاظم منافی شرف آباد (1390)، جامعه شناسی آموزش و پرورش (مبانی، رویکردها، سیرجامع نظریه ها، انتشارات یسطرون
- 4- فتحی واجارگاه، کورش و همکاران (1388)؛ آموزش شهروندی در مدارس؛ تهران: انتشارات آبیژن